

## فلسفه اخلاق به روایت جان دیویی

● شیما جرجانی

پژوهشگر فلسفه / Shima\_8960@yahoo.com

### چکیده

در این نوشتار درصددیم تا به بررسی کتاب *فلسفه اخلاق جان دیویی* بپردازیم. از این رو ضروری است به چهار موضوع پرداخته شود: پیشینه آثار تألیفی در خصوص فلسفه و اخلاق جان دیویی به زبان فارسی و تبیین نقاط قوت و ضعف آن؛ تبیین مسئله محوری کتاب؛ ضرورت انتشار این اثر؛ دستاوردهای علمی این اثر برای آموزش و پژوهش فلسفی در ایران. برای تبیین و پاسخ به این پرسش‌ها بخش‌هایی از کتاب تلخیص شده و گزارشی ارائه می‌شود. در انتها با توجه به مطالب کتاب پاسخ پرسش‌ها ارائه می‌شود.

### کلیدواژه

فلسفه اخلاق، پراگماتیسم، جان دیویی، فلسفه معاصر ایران.

### مقدمه

جان دیویی فیلسوفی است که در حال حاضر تفکرش در غرب و به‌ویژه آمریکا همچنان زنده است و حتی برخی از صاحب‌نظران گفته‌اند: «در صدسال اخیر هیچ فیلسوف اخلاقی هم‌پایه دیویی ظهور نکرده است» (Gouinlock. *The Moral Writings of John Dewey*. p.13). تاکنون درباره فلسفه اخلاق او در غرب مقاله‌ها و کتاب‌های فراوان نگاشته شده‌است؛ اما در ایران نه تنها هیچ اثر مستقلی درباره فلسفه اخلاق او موجود نیست، بلکه درباره فلسفه نظری او نیز پژوهش‌های بسیار مختصری انجام شده‌است. دیویی کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی تألیف کرده، اما فقط چند کتاب او به



■ قاسمی، اعظم. (۱۳۹۵). <i>فلسفه اخلاق جان دیویس</i> .
دیوبی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۰۰ ص، ۱۳،۰۰۰ تومان.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۸۷۹-۳

فارسی ترجمه شده است. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: *آموزشگاه‌های فردا*، ترجمه امیرحسین آریان‌پور (۱۳۲۸)؛ *اخلاق و شخصیت*، ترجمه مشفق همدانی (۱۳۳۴)؛ *آموزشگاه و دانش‌آموز*، ترجمه مشفق همدانی (۱۳۳۳)؛ *بنیاد نو در فلسفه*، ترجمه صالح ابوسعیدی (۱۳۳۷)؛ *مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش یا دموکراسی و آموزش و پرورش*، ترجمه امیرحسین آریان‌پور (۱۳۳۹)؛ *مدرسه و اجتماع*، ترجمه مشفق همدانی (۱۳۴۳)؛ *تجربه و آموزش و پرورش*، ترجمه اکبر میرحسینی (۱۳۶۹)؛ *منطق: تئوری تحقیق*، ترجمه علی شریعتمداری (۱۳۶۹).  
جان دیویس در نظام تعلیم و تربیت انقلابی به راه انداخت که آثارش به ایران نیز رسید. یکی از صاحب‌نظران علوم تربیتی درباره او چنین گفته است: «اگر بنا باشد مقام یک فیلسوف یا دانشمند را براساس فهم عمیق، دید وسیع، خلاقیت، سعه صدر، ترقی طلبی، فروتنی، وحدت شخصیت و طرفداری او از ارزش‌های انسانی مورد ارزیابی قرار دهیم، شاید بتوان گفت که جان دیویس بزرگ‌ترین فیلسوف غرب و شاید یکی از چند فیلسوف بزرگ غرب در عصر ماست. قطعی تلقی کردن این قضاوت یا تردید درباره آن مستلزم مطالعه نظریات این فیلسوف در سی جلد کتاب و هزار مقاله‌ای است که او به نگارش درآورده است» (دیویس، ۱۳۶۹: مقدمه [مترجم]، هفت).

به‌باور نگارنده اگر تاکنون درخصوص افکار فلسفی جان دیویس از طرف دانشجویان و محققان فلسفه کاری صورت نگرفته، به‌دلیل بی‌ارزش‌بودن این تحقیق و پژوهش نبوده است. دیویس فلسفه‌ای انتزاعی، بغرنج و غامض ندارد. او فیلسوفی است که فلسفه را از آسمان به زمین آورده و در فکر راه‌حلی برای مشکلات انسان‌های زمینی است که اکثریت نوع بشر را تشکیل می‌دهند. او هم در اندیشه کودک خردسال است و هم در اندیشه پیرزن کهنسال. فلسفه او هرچند برخاسته از کشوری است که حاکمانش اندیشه سلطه بر جهان را دارند اما خود، اندیشه سلطه‌خواهانه ندارد؛ بلکه در فکر کمک به همه، حتی

محروم‌ترین اقشار جامعه است.

از آن‌جا که نگارنده هیچ اثر مستندی به فارسی درباره اخلاق دیویی و یا حتی در خصوص فلسفه دیویی نیافته‌است (هرچند وجود چنین اثری منتفی نیست)، لذا هیچ الگویی پیشینی در این موضوع وجود نداشت. هرچند امکان آن بود که الگو از آثار نویسندگان غربی اتخاذ شود، اما با رجوع مستقیم به آثار دیویی الگوی پیشنهادی خود را ارائه داده‌است. با در نظر گرفتن همه محدودیت‌ها می‌توان نگارنده را در عدم ارائه پژوهشی طراز اول، معذور دانست. باین حال در حوزه محدودی که برگزیده شده کاری محققانه و مستند به آثار دیویی و مفسران بزرگ وی انجام شده‌است.

در بین کتاب‌های دیویی، سه کتاب اخلاق و شخصیت، بنیاد نو در فلسفه و فلسفه آموزش و پرورش یا دموکراسی و آموزش و پرورش به دلیل این که مهم‌ترین افکار دیویی در این کتاب‌ها تألیف شده‌است، بیش از همه مورد استناد قرار گرفته‌است. در فهرست منابع بیش از چهل منبع لاتین ذکر شده‌است، از این تعداد فقط ترجمه سه کتاب پیش‌گفته موجود بود، لذا ترجمه متون توسط نگارنده صورت گرفته‌است که ممکن است خطاهای جزئی در آن وجود داشته باشد.

این کتاب از چهار فصل تشکیل شده‌است:

فصل اول: کلیات؛

فصل دوم: مبانی معرفت‌شناختی اخلاق دیویی؛

فصل سوم: مبانی انسان‌شناسی اخلاق دیویی؛

فصل چهارم: مبانی مابعدالطبیعی اخلاق دیویی.

### گزارشی از فصل‌های کتاب

در فصل نخست، «کلیات»، علاوه بر ارائه زندگی‌نامه تحلیلی دیویی به مباحث مهم دیگری پرداخته می‌شود: اهمیت و میزان تأثیر دیویی در حوزه فلسفه، اخلاق و سایر حوزه‌های فکری؛ دیویی: پراگماتیسم و نوپراگماتیسم و بحث در خصوص این که آیا پراگماتیسم، فلسفه‌ای آمریکایی است؟؛ و بررسی پرسش‌هایی که دیویی در حوزه اخلاق بدان پاسخ می‌دهد.

به گفته گویین‌لاک، گرچه دیویی به‌طور خاص یک فیلسوف اخلاق بود، اما هرگز تفکر فلسفی‌اش را به‌صورت نظام‌مند ارائه نکرد. (Gouinlock. The Moral Writings Of Jhon Dewey, p.18). باین حال، این نویسنده از آثار جان دیویی بخش‌هایی را که به نظریه اخلاقی او مربوط می‌شده، جمع‌آوری کرده و در کتابی با عنوان آثار اخلاقی دیویی، منتشر کرده‌است. برای بررسی نظریه‌های اخلاقی دیویی باید به آثار متعدد او



مراجعه کرد. همین‌طور، شرایط تاریخی، اجتماعی و مسائلی را که دیویی با آن سروکار داشته، نیز نباید از نظر دور داشت. دیویی مدعی است که خود برای فلسفه و اخلاق بنیاد نوینی افکنده و اثری را نیز در این موضوع منتشر کرده‌است. در بنیاد نو می‌بایست اخلاقیات مورد انتقاد و تحقیق قرار گیرد. اصول و موازین قوانین همه ابزارهایی‌اند برای فکر تا بتوانند فرد معین و وضع مشخص را تجزیه و تحلیل کنند (Dewey, *Reconstruction In Philosophy*, p.xxiii 162).

آن‌چه ضرورت دارد پذیرفتن این عقیده است که موضوع علم اخلاق هم امری اعتباری، نسبی و اضافی است که باید برحسب زمان و مکان جرح و تعدیل پیدا کند (دیویی، بنیاد نو در فلسفه، ص ۷). علم اخلاق نمی‌تواند برای اعمال انسان فهرست درست کند و قواعد و دستورالعمل‌هایی نظیر نسخه پزشکی و دستوره‌های آشپزی برای انسان فراهم کند. آن‌چه در علم اخلاق ضروری است یافتن روش‌های تحقیق و جعل و ابداع معین است. روش تحقیق از این نظر که بتوان ریشه مشکلات را پیدا کرد و روش جعل و ابداع از این نظر که بتوان طرحی ریخت که به‌صورت فرضیه‌هایی چند در حل مشکل مددکار باشد (همان: ۱۴۱).

فلسفه اخلاق دیویی تضمین نمی‌کند که می‌تواند همه مسائل اخلاقی را حل کند؛ بلکه بهترین راه‌حل آن‌ها را پیشنهاد می‌دهد، البته اگر راه‌حلی برای آن‌ها وجود داشته باشد و این امکان را تشخیص می‌دهد که اگر رویکرد عقلانی توسط کسانی که ایمان خود را فقط در زور می‌بینند، رد شود ممکن است ما با ضرورت سختی برای جنگ مواجه شویم. از مطلق‌گرایی اجتناب می‌کند، بی‌آن‌که ذهنی باشد و عینی است، بی‌آن‌که ضرورتاً برای همه زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط، اعتبار کلی داشته باشد.

هرچند فلسفه اخلاق او آزادانه است<sup>۱</sup>، اما دلالت به این نمی‌کند که افراد هر آن‌چه که می‌خواهند، می‌توانند انجام دهند. نظریه او نه هرچومرج‌طلبانه است و نه فردگرایانه. از آن‌جاکه یک گروه یا جامعه دموکراتیک هیچ سیاستی را به‌عنوان سیاست نهایی در نظر نمی‌گیرد در حال پیشرفت است. در این‌جا یک خیر ایدئال به‌طور پیشین وجود ندارد که این گروه لازم باشد آن را بفهمند؛ بلکه ممکن است تلاش کنند خیرهایی را که بیشتر دربرگیرنده است، خلق کنند و یا بسازند. نظریه اخلاقی دیویی، به‌وضوح چیزی بیش از یک روش حل مسئله است. ایدئال‌های بشری نه با نسخه‌برداری از مُثُل افلاطونی بلکه با عمل خلاق اجتماعی تأسیس شده‌اند. تا آن‌جاکه مشکلات به عقل اجتماعی ارجاع داده می‌شود، می‌بایست در ملاحظه با شرایط خاص جامعه تحلیل شود و اعضای جامعه تصمیم‌گیرنده‌اند. اما این‌طور نیست

که همه احزاب در ارتباط با آنچه انجام می‌دهند به نتایج یکسانی برسند (Gouinlock, *The Moral Writings Of Jhon Dewey*, p.9-11, 20-23).

از نظر دیویی آغاز نزاع اخلاقی خوب یا بدی که پیشاپیش از آن خبر داشته‌ایم، نیست، بلکه با تعقل و آزمایش باید خوب و بد را کشف کرد. کسانی که گمان می‌کنند مالک اصولی هستند که به‌طور غایی به نزاع بین حق و باطل خاتمه می‌دهد، وارد جاده‌ای می‌شوند که در آن خیال‌پردازی متعصبانه، جزم‌گرایی، دعوای طبقاتی و ذهن بسته است. جنگ‌هایی به‌خاطر علاقه به مذهب برپا شد، یا به‌خاطر دفاع از مفاهیم اقتصادی خاص؛ این امر، خطر عملی نظریه‌های جزمی را اثبات می‌کند (Ranter, *Intelligence In The Modern World*, p.763). وی می‌گوید: اخلاق به وسیع‌ترین معنا، تعلیم و تربیت است<sup>۲</sup> (دیویی، اخلاق و شخصیت، ص ۲۵۳).

از آن‌چه به اختصار آمد، استنباط می‌شود او در بعضی آثارش از جمله اخلاق و شخصیت به تحقیق تجربی، توصیفی، تاریخی و یا علمی مانند کاری که انسان‌شناسان، تاریخ‌دانان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان می‌کنند می‌پردازد و نظریات روان‌شناسانه خود را در خصوص سرشت بشری مطرح می‌کند. در بعضی از آثار دیگر نیز به سؤال‌های منطقی و نیز معرفت‌شناختی در خصوص ماهیت اخلاقی پاسخ می‌دهد. مثلاً در جایی که «ابزارانگاری در احکام ارزشی» را بیان و تشریح می‌کند، به‌نوعی نظریه‌ای فرااخلاق مطرح می‌کند. همچنین در کتاب منطق: تئوری تحقیق، نظریاتش را در خصوص روش تحقیق، خواه در اخلاق و خواه در سایر حوزه‌ها شرح می‌دهد.

فصلی از این کتاب با عنوان «بررسی مبانی انسان‌شناسی» در واقع به تفکر نوع اول می‌پردازد و فصل‌های دیگری با عنوان «مبانی معرفت‌شناختی» و «مبانی مابعدالطبیعی» به تفکر نوع سوم آن می‌پردازد. از آن‌جا که دیویی «وظیفه‌گرایی» در اخلاق را نقد می‌کند و اصولاً اعتقادی به ارزش‌های ثابت و مطلق ندارد، لذا بحث از «اخلاق هنجاری» برای او مطرح نمی‌شود، بلکه در این خصوص به نقد آرای فیلسوفان پیشین اخلاق می‌پردازد که در بعضی از قسمت‌های کتاب به آن پرداخته شده‌است.

در انتهای هر فصل دیدگاه‌های دیویی نقد و بررسی و تحلیل می‌شود. در فصل نخست ادعای استقلال اخلاق از مابعدالطبیعه و تفسیر دیویی از فلسفه ارسطو (به‌روایت فلسفه مدرسی) نقد می‌شود.

در فصل دوم که به معرفت‌شناسی دیویی اختصاص دارد، علاوه بر نقد دیدگاه وی، لوازم فلسفی معرفت‌شناسی دیویی، جایگاه دین در اخلاق از دیدگاه دیویی و وجه اومانستی اخلاق دیویی بررسی می‌شود. در فصل سوم مبانی انسان‌شناسی تبیین شده و در انتها دیدگاه دیویی

تحلیل می‌شود. یکی از مهم‌ترین تحلیل‌های این فصل آن است که اخلاق دیوویی، یک اخلاق پسینی و تجربی است که می‌تواند زمینه‌سازی برای اخلاق کاربردی باشد.

در فصل چهارم مبانی مابعدالطبیعی اخلاق دیوویی مطرح می‌شود. مبانی مابعدالطبیعی، به دو بخش مبانی معرفت‌شناختی و مبانی وجودشناختی تقسیم می‌شود. در مقدمه این فصل به این پرسش پاسخ داده می‌شود که از دیدگاه پراگماتیستی همچون دیوویی، که تفکر مابعدالطبیعی سنتی را تخطئه می‌کند، آیا مابعدالطبیعه و فلسفه، می‌تواند هدفی داشته باشد یا اصولاً امری مهم، لحاظ می‌شود؟ سپس مبانی مابعدالطبیعی اخلاق دیوویی که شامل اصول سلبی و اصول ایجابی است مطرح می‌شود. پس از آن ایدئال‌ها و اصول ثابت تفکر دیوویی تشریح گردیده و در انتهای فصل دیدگاه‌های مابعدالطبیعی دیوویی تحلیل و نقد شده و بیان می‌شود که مهم‌ترین مبانی مورد اعتقاد وی می‌تواند از جهاتی چالش‌برانگیز باشد. در بین این مبانی سه مبنای مهم عبارت‌اند از: انکار ایدئال‌های اخلاقی، اعتقاد به خطاپذیری در معرفت، اعتقاد به برتری دموکراسی و به‌کارگیری شیوه دموکراتیک زندگی.

در فلسفه دیوویی، تمام معرفت انسانی به‌عنوان معرفت اخلاقی لحاظ شده‌است و وی قائل به تمایز بین ارزش و واقعیت نیست. در سنت کلاسیک فیلسوفان بین عقل و حس تمایز قائل شده‌اند و مقام عقل و معرفت عقلی را برتر از حس و علوم می‌دانند که از طریق تجربه به‌دست می‌آید، دانسته‌اند. از نظر دیوویی این تمایز باطل و زیان‌آور است.

از نظر دیوویی، اعتقاد به ایدئال شاید مهم‌ترین اشتباه فلسفه باشد. از دیدگاه وی، همه نظام‌های اخلاقی که مبتنی بر مطلق‌ها هستند، از درجه اعتبار ساقط هستند. نفی ایدئال‌ها و خیر برین در تفکر دیوویی به نفی مطلق‌ها می‌انجامد. به عبارت دیگر، انتقاد از نظام‌سازی در مابعدالطبیعه و در اخلاق، نیز انتقاد از اصول جاودان اخلاقی، همه از این امر سرچشمه می‌گیرد. هرچند دیوویی دین و مطلق‌های استعلایی (نظیر مثل افلاطونی) را که اخلاق غربی بر آن مبتنی بود، رد می‌کند، اما به تعداد زیادی اصول اخلاقی با ارزش اعتقاد دارد و در جست‌وجوی یک اساس سکولار و تجربی برای آن‌هاست. در بین این اصول، دو اصل مهم مورد اعتقاد او عبارت‌اند از: دموکراسی و نظریه تکامل.

پراگماتیسم به‌عنوان همتای فلسفی دموکراسی، همه‌جا حاضر است. زیرا دموکراسی، مذهب یک پراگماتیست است. ما بدون این که ملاحظه دیوویی را از معنا و آینده دموکراسی بفهمیم نمی‌توانیم آثار دیوویی را بفهمیم، حتی آثاری که کاملاً در حوزه اپیستمولوژی هستند.

از نظر دیویی، سیر آموزش و پرورش و سیر اخلاق، کاملاً یکی است. چه، اخلاق تحول مستمر تجربه از بدتر به بهتر است. همچنین، آزادی برای هر اخلاقی، ضروری است.

به اعتقاد دیویی، اهداف نباید با غایت‌های ثابت، ارزیابی شود. مطابق این اخلاق، کمال دیگر هدف نهایی زندگی نیست، بلکه حرکت به سوی کامل شدن هدف است. حرکتی که هیچ‌گاه پایانی برای آن قابل تصور نیست. صفات اخلاقی غایت‌های ثابتی نیستند که بتوان آن‌ها را به تملک خود درآورد. عمل رشد، تنها غایت اخلاقی است.

در انتهای کتاب به قضاوت نهایی در خصوص مبانی فلسفی اخلاق دیویی پرداخته شده است. آن‌چه نگارنده از آثار دیویی و آن‌چه در خصوص او نگاشته شده استنباط کرده، این است که او به چارچوب فکری خود وفادار بوده است؛ نه تنها در تئوری و نظر، بلکه در عمل. او از جمله فیلسوفانی بوده که با فلسفه‌اش زندگی کرده است و در گفتار و کردار صداقت کامل داشته است. می‌توان او را از بزرگ‌ترین مصلحان اجتماعی برشمرد. او هم با شکاکیت، مخالف بوده و هم از جزم‌اندیشی برکنار مانده و آماده هر انتقاد مستندی را بپذیرد. البته همچون هر متفکر دیگر امکان سوء برداشت یا سوء استفاده از افکار او منتفی نیست. این بدان معنا نیست که افکار او عاری از عیب و نقص است. این کتاب نیز به بررسی انتقادی مبانی فکری او پرداخته است.

به لحاظ معرفت‌شناسی، اخلاق دیویی به نسبی‌گرایی متهم شده است؛ اما بر اساس مبانی فکری دیویی، این انتقاد وارد نیست. تنها اگر در موضع مطلق‌گرایان بایستیم، می‌توانیم این اتهام را به وی وارد کنیم. دیویی نیز از اساس نظریه مطلق‌گرایان یا به تعبیر پاتنام، فیلسوفان جزمی - خواه عقل‌گرا، خواه تجربه‌گرا - را نقد می‌کند و معرفت‌شناسی او متفاوت با معرفت‌شناسی این فیلسوفان است. اما اگر از موضع مطلق‌گرایی به مبانی فلسفی اخلاق دیویی نظر بیفکنیم، همان‌طور که پیش از این آمد، دلایل و شواهدی بر نسبی‌گرایی می‌یابیم.

در خصوص نیازمندی یا بی‌نیازی اخلاق از مابعدالطبیعه نیز باید گفت، اگر از موضع مابعدالطبیعه خواستار ارائه دلیل از طرف دیویی نظر بیفکنیم، برای بی‌نیازی اخلاق از مابعدالطبیعه دلایل از طرف دیویی هستیم. اما این مشکل پیش‌روی دیویی نیست؛ زیرا او از همان ابتدا وظیفه فلسفه را مشخص می‌کند و وظایف سنتی را منتفی می‌داند. یعنی او خود را ملزم به پاسخ‌گویی در این خصوص نمی‌داند. وقتی او بنیاد نوینی برای اخلاق می‌افکند، درحقیقت چارچوب‌های اهل مابعدالطبیعه را نمی‌پذیرد و آن را نقد می‌کند. کانت نیز اخلاق را نیازمند مبانی مابعدالطبیعی نمی‌داند، البته دلایل او با دلایل دیویی،

متفاوت است. کانت نیز از جمله فیلسوفانی بوده که مورد انتقاد دیویی، قرار گرفته است.

اما آخرین انتقاد در خصوص دموکراسی است. دموکراسی مهم‌ترین پایه و اساس اخلاق و تعلیم و تربیت جان دیویی است. اگر دیویی یا پیروان او بپذیرند «برتری دموکراسی به سایر شیوه‌های زندگی از طریق تجربه و به صورت پسینی، حاصل شده است و لذا کلیت عام ندارد و اصل خطاپذیری هم شامل آن می‌شود»، دیگر جایی برای بحث نیست. در این صورت، نظام فلسفی دیویی، نظامی در عرض نظام‌های دیگر می‌شود که می‌توان جایگزین‌های مختلفی برای آن در نظر گرفت یا می‌توان ضعف‌هایش را برطرف کرد و از نکات مثبت آن بهره‌مند شد؛ اما همان‌طور که نقل شد، رورتنی معتقد است جامعه آمریکا به‌رغم سیاه‌کاری‌ها و زشتی‌های دیروز و امروز و به‌رغم تداوم اشتیاقش به برگزیدن نادانان و فرومایگان برای مناصب بالا، نمونه خوبی از بهترین نوع جامعه‌ای است که تاکنون ساخته شده است.

انتقاد از دموکراسی به معنای پذیرش استبداد یا شیوه‌های نامناسب زندگی نیست. در این کتاب، سخن گوین لاک از شارحان و مفسران مهم فلسفه دیویی را نقل کردیم که می‌گوید: «فلسفه دیویی، این امکان را تشخیص می‌دهد که اگر رویکرد عقلانی، توسط کسانی که تنها با زور ایمان می‌آورند رد شود، ممکن است جنگ در مواجهه با این افراد ضروری باشد». جان کلام نگارنده این است که همان‌طور که «جامعه بسته» افلاطونی دارای اشکال‌ها و نقاط ضعفی است و نمی‌تواند پایدار بماند، «جامعه باز» پوپری هم اشکالات خاص خودش را دارد. اما نباید به «منتقدان جامعه باز» به چشم دشمن نگاه کرد. چراکه با دشمن نمی‌توان «گفت‌وگو» داشت و فقط راه‌حل «جنگ» است.

البته به‌نظر می‌رسد برداشت پیروان دیویی با روح فلسفه او سازگار نیست. وی به این دلیل با مطلق‌گرایی مخالف است که مطلق‌گرایی، تعصب، جزم‌اندیشی و ... باعث جنگ‌ها و مشکلات بسیاری برای جامعه بشری شده است. دیویی بر صلح و آرامش تأکید فراوان دارد. اگر قرائتی که رورتنی، پاتنام یا گوین لاک از دیویی دارد صحیح باشد، تفکر دیویی در خصوص دموکراسی با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود و تنها راه برون‌رفت از این چالش‌ها پذیرش نقد مداوم در ایده دموکراسی است و این که «روش دموکراتیک زندگی» به‌عنوان یکی از راه‌ها و نه لزوماً برترین شیوه زندگی شناخته شود. نمی‌توان همچون پاتنام هم به کثرت‌گرایی (پلورالیسم) معتقد بود و هم یک نوع شیوه زندگی (دموکراتیک) را بهترین و برترین شیوه زندگی دانست. در غیر این صورت کثرت‌گرا (پلورالیست) چه تفاوتی با مطلق‌گرا خواهد داشت؟! به‌رغم انتقادهایی که به دموکراسی وارد است، اما این نظریه می‌تواند



به عنوان یکی از نظریه‌های قابل اعتنا مورد توجه قرار گیرد. زیرا در حال حاضر و در دنیای امروز هیچ نظریه‌ای وجود ندارد که عاری از انتقاد، و بی‌عیب و نقص باشد و هیچ شیوه حکومتی در دنیا وجود ندارد که «در عمل» عدالت را به نحو احسن برقرار کرده باشد. نکته‌ای که تذکرش ضروری می‌نماید، این است که نمی‌توان برای نقد و نفی دموکراسی به آن چه در «کشورهای مدعی دموکراسی» می‌گذرد استناد کرد؛ زیرا نخست آن که نظریه‌پردازان دموکراسی از جمله خود دیویی این کشورهای مدعی را نقد می‌کنند و دموکراسی‌های موجود را ناقص می‌دانند؛ سپس حکومت‌های «غیرمعتقد به دموکراسی غربی» نیز در جامعه خود گرفتار تبعیض، بی‌عدالتی، فساد، فحشا، فقر و... هستند. لذا نمی‌توان دموکراسی را مسئول این مائب دانست.

آخرین نکته، آن که اعتقاد به دموکراسی، آن طور که دیویی توصیف می‌کند، با اعتقاد به مطلق‌ها به هیچ عنوان سازگار نیست. بنابراین، جوامعی که به مطلق‌ها اعتقاد دارند (خواه دینی، خواه غیردینی) نمی‌توانند پذیرای دموکراسی به معنای مورد نظر دیویی باشند. مگر آن که از این لفظ، معنای دیگری را مراد کنند. توجه نکردن به این نکته موجب کشمکش‌های بی‌حاصل و بی‌ثمری می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در خصوص اخلاق و فلسفه جان دیویی هیچ اثر قابل توجهی به زبان فارسی نیست و غالب نوشته‌ها ژورنالیستی است. البته در حوزه تعلیم و تربیت افکار جان دیویی بررسی شده است. مهم‌ترین مسئله محوری این کتاب نخست معرفی و تبیین درست از افکار دیویی در حوزه فلسفه و اخلاق، سپس تحلیل، ارزیابی و نقد آرا و بیان نقاط قوت یا ضعف تفکر پراگماتیستی و ابزارگرایانه وی است.

به نظر می‌رسد به دو دلیل تاکنون از طرف محققان در حوزه فلسفه دیویی کاری صورت نگرفته است: نخست آن که برخی پراگماتیسم را فلسفه‌ای سطحی می‌دانند و لذا ارزشی برای آن قائل نیستند، دوم آن که پاره‌ای دیگر افکار دیویی را ناسازگار با جامعه دینی ایران می‌دانند و نشر آن را درست نمی‌دانند. در خصوص دلیل نخست در اثر به کفایت اهمیت و تأثیر افکار دیویی شرح داده شده است. اما در مورد دوم نیز باید گفت، طرح نکردن این افکار فقط به پاک کردن صورت مسئله می‌انجامد و راه درست طرح و نقد و بررسی است. البته نه به معنای رد کردن همه آرا، بلکه بدین معنا که مزایا و معایب این تفکر در نظر گرفته شود. به دلیل اهمیتی که معرفی درست تفکر جان دیویی داراست، از طرفی هیچ اثری به زبان فارسی در این زمینه در دسترس

نبود، انتشار این کتاب، به‌رغم اذعان به ناکامل‌بودن، ضرورت یافت و بر این باورم هرچند نقدهای جدی بر دیویی وارد است و در کتاب تحلیل صورت گرفته‌است، اما افکار وی می‌تواند از جهات متعدد مفید باشد، در حوزه اخلاق کاربردی، سیاست و فهم معنای دموکراسی و نیز در حوزه تعلیم و تربیت.

### پی‌نوشت

۱. منظور از آزادانه‌بودن اخلاق دیویی، این است که در اخلاق دیویی، اصول کلی و ثابت از پیش تعیین‌شده، وجود ندارد و این خود انسان‌ها هستند که از طریق پژوهش عقلانی، ارزش‌های اخلاق را تعیین می‌کنند. یعنی هیچ مرجع پیشین (فرامین الهی یا مثل مابعدالطبیعی) انسان‌ها را مجبور به پذیرش اصول اخلاقی خاصی نمی‌کند (نگارنده).

فصلنامه نقدکتاب

کلاس فلسفه جنوب

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴  
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۵۸

### منابع

قاسمی، اعظم. (۱۳۹۵)، *فلسفه اخلاق جان دیویی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

توضیح: منابع مورد استناد در این نوشتار همگی در فهرست منابع و مآخذ کتاب *فلسفه اخلاق جان دیویی* موجود است.

### توضیح:

در شماره گذشته فصلنامه (ش ۱۱-۱۲، صص ۴۸-۴۹) به نکته‌ای در باب کارنامه علمی ارزشمند استاد دکتر مجتهدی اشاره شده بود که به شرح زیر تکمیل و تصحیح می‌شود؛ بنابر آنچه در کتاب جدید انتشار انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (۱۳۹۶) درباره زندگینامه و خدمات علمی - فرهنگی دکتر مجتهدی آمده، ایشان دانش‌آموخته دکتری فلسفه از سوربن هستند.